



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۳ آبان ۱۳۹۹

موضوع جزئی: مسئله ۱۹- حکم نظر زن به مرد- ادله عدم جواز: دلیل اول (آیات) و بررسی آن

مصادف با: ۷ ربیع الاول ۱۴۴۲

سال سوم

جلسه: ۱۸

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

مسئله نوزدهم

مسئله ۱۹: «لا يجوز للمرأة النظر إلى الأجنبي كالعكس، و الأقرب استثناء الوجه و الكفین».

در مسأله نوزدهم پیرامون نظر زن به مرد و استثنائاتی که در حکم آن وجود دارد بحث می شود. ما در ابتدای بحث از مسأله هجدهم که با موضوع احکام نظر بود، عرض کردیم در چهار مقام گفتگو می کنیم؛ مقام اول درباره حکم کلی نظر مرد به زن بود؛ مقام دوم درباره استثناء وجه و کفین بود و البته به دنبال آن حکم نظر به قدمین و نیز تصویر المرأة هم مطرح شد. دو مقام دیگر باقی مانده که البته بحث در این دو مقام چندان تفصیلی نخواهد بود؛ یکی حکم نظر زن به مرد و دیگری استثناء وجه و کفین که آیا از این حکم وجه و کفین استثناء می شوند یا خیر.

مرحوم سید در مسأله ۳۱ عروه متعرض این بحث شده و البته این را در کنار نظر به اجنبیه مطرح کرده است. مسأله ۳۱ این است: «لا يجوز النظر إلى الأجنبية و لا للمرأة النظر إلى الأجنبي من غير ضرورة». در مسأله ۵۱ عروه هم که بحث از پوشش و حجاب مردان است، باز متعرض حکم نظر شده اند؛ در آنجا هم مسأله حجاب زنان را مطرح می کند و هم پوشش مردان را؛ در بخشی از مسأله ۵۱ می فرماید: «و لا یجب علی الرجال التستر و إن کان یحرم علی النساء النظر».

موضوع بحث: حکم نظر زن به مرد

اینها دو تا مسأله است؛ یکی مسأله پوشش مرد است و یکی مسأله نظر زن به مرد است، همانطور که در مسأله حجاب هم در مورد زن این چنین بود. گفتیم یکی بحث حجاب و پوشش زن است و یکی بحث نظر به زن است. آنچه که در مسأله ۱۸ و ۱۹ مطرح شده، مسأله نظر به مرأه و نظر به رجل است؛ اما بحث پوشش هم نسبت به زن و هم نسبت به مرد بعداً خواهد آمد.

پس الان معلوم شد موضوع بحث، پوشش مردان نیست بلکه نظر به مردان است، یعنی اینکه زنی بخواهد به مرد نگاه کند. اینجا تقریباً مشهور بلکه برخی ادعای عدم خلاف و اجماع کرده اند بر عدم جواز نظر زن به مرد. نقل اجماع شده و ادعای عدم خلاف از سوی برخی، و قدر متیقن این است که مشهور این است که به طور کلی نظر زن به مرد جایز نیست. حالا اقوال و انظار هم در این مسأله تقریباً به طور کلی همین را می رساند؛ ما در بررسی ادعای اجماع که برخی بر عدم جواز اقامه کرده اند خواهیم گفت و آنجا اقوال را به تفصیل بررسی خواهیم کرد که اصولاً در کلمات مثل شیخ صدوق، شیخ مفید و حتی شیخ طوسی، این مسأله مورد تعرض واقع نشده است. در کلمات بعدی ها، عمدتاً کسانی که این مسأله را بحث کرده اند حکم به عدم جواز کرده اند که حالا این اقوال و انظار را ذکر خواهیم کرد. عمده بررسی ادله عدم جواز است.

ادله عدم جواز نظر زن به مرد

به چند دلیل بر عدم جواز نظر الی الرجل تمسک شده است؛ به برخی از آیات، روایات و اجماع که در کلمات بعضی تصریح به آن شده است. عمدتاً به این سه دلیل تمسک شده است: آیات، روایات و اجماع.

دلیل اول: آیات

آیه اول

از آیات استدلال شده به آیه غض، یعنی آیه ۳۱ سوره نور: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ». تقریب استدلال به این آیه آن است که این آیه امر به ترک النظر کرده است؛ به زنان مؤمنه دستور داده شده از نگاه کردن خویشتن داری کنند، خویش را حفظ کنند، اجتناب کنند. امر به غض البصر یعنی بر شما لازم است از نگاه کردن به چه، حالا آن متعلقش را هم می‌گویند همه چیز نیست، معلوم است که غض البصر از آنچه که نباید به آن نگاه شود، یا از آنچه که نظر به او حرام است، حالا بنا بر اختلافی که بین خود این آقایان وجود دارد و لذا نتیجه می‌گیرند طبق این آیه زنان هم نمی‌توانند به مردان نگاه کند بر وزان امر به غض بصر در مورد مردان؛ «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ»، آنجا هم همین بود؛ کسانی که به این آیه برای اثبات حرمت نظر به مرأه از ناحیه رجل تمسک کرده‌اند، تقریباً همان بیان را اینجا در مورد زنان می‌گویند و همان تقریبی که برای استدلال به آیه «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ» در نظر گرفته‌اند و با آن حرمت نظر را ثابت کرده‌اند، اینجا هم می‌گویند حرمت نظر به رجل از ناحیه زن با این آیه ثابت می‌شود.

بررسی آیه اول

به نظر می‌رسد که این استدلال تمام نیست. ما تفصیلاً در گذشته درباره این آیه بحث کردیم. هشت قول و نظر را در مورد این آیه ذکر کردیم که منشأ این احتمالات هشت‌گانه در واقع معنایی است که برای غض می‌توان ذکر کرد و احتمالات مختلفی که درباره متعلق غض در این آیه وجود دارد. آنچه مسلم است این است که ما در گذشته هم گفتیم «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ» دلالت بر حرمت نظر به مرأه ندارد. این آیه از عمومات حرمت نظر الی المرأه مطلقاً نیست؛ ما یک نظری را آنجا اختیار کردیم و گفتیم این آیه در واقع دستور می‌دهد به اینکه از خیره شدن و زل زدن و نگاه استقلالاً همراه با خیره شدن به وجه و کفین زن خودداری کنید. این نمی‌خواهد به طور کلی نهی از نظر به زن کند، به نحوی که شامل وجه و کفین شود و ما بعداً وجه و کفین را استثنا کنیم. همان بیان تقریباً در مورد «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ» جاری می‌شود. یعنی در واقع این آیه دستور می‌دهد به اینکه زنان از زل زدن و خیره شدن به آن مواضعی از بدن مرد که آشکار است، خودداری کنند. دستور به اجتناب از زل زدن و خیره شدن، آن هم به آن مواضعی که به طور متعارف ظاهر و آشکار است.

البته ما فعلاً در صدد بررسی مفاد این آیه نیستیم؛ این آیه فقط از این حیث که آیا قابلیت استدلال برای تحریم نظر زن به مرد دارد یا نه، ما داریم از آن بحث می‌کنیم. به نظر ما چنین دلالتی از این آیه قابل استفاده نیست؛ اما اینکه چه معنایی دارد و اینکه آیا اشکالاتی متوجه آن معنا هست یا نه، اینها بحث‌های دیگری است. قدر مسلم این است که این آیه چنین دلالتی ندارد. حتی بنا بر برخی از اقوال دیگر هم این آیه چنین دلالتی ندارد؛ از جمله کسانی که دلالت این آیه را نپذیرفته‌اند مرحوم آقای خوئی هستند. ایشان هم در مورد این آیه مثل آنچه که در مورد «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ» گفته‌اند، می‌فرماید که این آیه در واقع دستور به صرف النظر دارد. یعنی می‌خواهد بگوید آن توجه و نظر طمع‌آلود خودتان را به طور کلی از

مرد منصرف کنید. این به نظر خاصی کاری ندارد؛ به طور کلی می‌گوید باید از نگاه یا هر رفتاری و توجهی که آمیخته با شهوت و التذاذ و امثال اینها باشد، خودداری کنید. این به مسأله نظر به طور خاص کاری ندارد و در واقع توجه می‌دهد به لزوم انصراف از مرد؛ لذا هیچ دلالتی بر مسأله حرمت نظر ندارد.

طبق بعضی از انظار دیگر هم همین طور است. یعنی اینطور نیست که فقط طبق مبنای ما در آیه غض قابل استفاده نباشد، بلکه کسانی هم که می‌گویند آیه غض دستور به غض البصر عما یحرم النظر الیه یا غض البصر عما یجب ستره می‌کند، باز می‌گویند دلالت بر حرمت نظر ندارد. مثلاً اگر آیه دلالت کند بر وجوب غض بصر عما یجب ستره فی الرجال، ما یجب ستره فی الرجال چیست؟ عورتین است؛ فوقش مابین الركبة و السرة را هم ضمیمه‌اش کنیم؛ دیگر مازاد بر این، یجب ستره نیست. پس نظر به سر و گردن و مقداری از دست، اینها اشکالی ندارد. لذا واقع این است که دلالت این آیه بر حرمت نظر زن به مرد، محل اشکال است.

آیه دوم

آیه دوم، آیه ۵۳ سوره احزاب است: «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ». می‌گوید اگر از زنان چیزی را خواستید، از پشت پرده از آنها بخواهید؛ این برای دلهای شما و دلهای آنها پاکیزه‌تر است. تقریب استدلال به این آیه آن است که این آیه امر کرده به اینکه زنان با مردان من وراء حجاب ارتباط داشته باشند؛ «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ»، خطاب به مردان است که اگر چیزی را از زنان خواستید، مستقیم با اینها مواجه نشوید؛ بلکه این تقاضا و خواسته خودتان را از وراء حجاب مطرح کنید. این تکلیف به عموم زنان متوجه است و نه خصوص زنان پیامبر(ص) و اینکه دستور داده شده من وراء حجاب از آنها چیزی را بخواهید، این هم یک تکلیفی برای شما و هم یک تکلیفی برای آنهاست. یک بخشی از آن متوجه مردان است که من وراء حجاب از آنها خواسته‌ای دارند مطرح کنند، ولی لازمه‌اش یک تکلیفی بر زنان هم هست. چون بعد می‌فرماید: «ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ»؛ آنها هم من وراء حجاب با شما مواجه شوند. شما سخن و خواسته و تقاضا را از وراء حجاب مطرح کنید، آنها هم من وراء الحجاب قرار بگیرند و با شما ارتباط داشته باشند و سخن بگویند. آن وقت می‌گویند اگر این تکلیف متوجه عموم زنان است، این تکلیف اقتضا می‌کند که زن هم به مرد نگاه نکند. اینکه می‌گوید من وراء الحجاب باشند، این در واقع هم باید خودشان پوشش داشته باشند، چون این یکی از آیاتی است که در باب حجاب هم به آن تمسک شده است؛ این را بعداً مطرح خواهیم کرد. این آیه از آیاتی است که برای لزوم ستر بدن زن به نحو کامل به آن استناد شده و ما قبلاً این را به مناسبت متعرض شدیم؛ به نظرم جزء ادله و عموماً حرمت نظر به اجنبیه ذکر کردیم. یک بخش به این آیه برای پوشش زنان استناد می‌شود و یک بخش هم در واقع برای همین منظور که زنان در یک پوشش و حجابی قرار بگیرند که دیده نشوند و کسی آنها را نبیند و آنها هم کسی را نبینند. لذا به استناد این آیه خواسته‌اند بگویند نظر المرأة الی الرجل، لایجوز. باید در پوشش قرار بگیرند؛ باید در وراء حجاب و پرده واقع شوند تا کسی آنها را نبیند. پس این آیه بر حرمت نظر دلالت می‌کند.

بررسی آیه دوم

به نظر می‌رسد این استدلال هم تمام نیست. درباره این آیه بحث زیاد است که ما الان نمی‌خواهیم آن بحث‌ها را مطرح کنیم؛ این را می‌گذاریم برای مسأله حجاب و ستر در مورد زنان. اما شأن نزول‌هایی در مورد این آیه ذکر شده که اگر این شأن

نزولها مورد توجه قرار بگیرد اساساً معلوم می‌شود این آیه یک تکلیف اختصاصی برای زنان پیامبر(ص) را بیان می‌کند. البته اهل سنت یک شأن نزول ذکر کرده‌اند؛ شیعیان شأن نزول دیگری گفته‌اند و اینها با هم متفاوت است. اما قدر متیقن از این شأن نزول آن است که این یک تکلیف اختصاصی برای زنان پیامبر(ص) است.

البته برخی مثل صاحب اسداء الرغاب - که قبلاً هم ما ادله‌ای در بحث حرمت نظر به وجه و کفین از ایشان نقل کردیم - تلاش کرده‌اند که از این آیه یک تکلیف عمومی برای همه زنان استفاده کنند که این را هم بعداً خواهیم گفت. اما با ملاحظه شأن نزول و با ملاحظه بعضی روایات می‌توانیم بگوییم که این یک تکلیف اختصاصی مربوط به زنان پیامبر(ص) است. اهل سنت هم طبق برخی از تفاسیر شأن نزول آیه را اینطور ذکر کرده‌اند، بنابر برخی روایات که در بعضی از صحاح اهل سنت وارد شده است، می‌گویند قبل از اینکه این آیه نازل شود، زنان، خودشان را در معرض دید مردان قرار می‌دادند. عمر به طور کلی از این مسأله ناراحت بود و دلش می‌خواست زنان حجاب داشته باشند و همیشه آرزو می‌کرد که ای کاش آیه‌ای نازل شود در مورد حجاب تا به طور کلی زنان از این وضع دربیایند. لذا به پیامبر(ص) عرض کرد که افراد مختلفی به خانه شما رفت و آمد می‌کنند؛ به‌هر حال بعضی از اینها آدم‌های خوبی هستند و برخی خوب نیستند. بالاخره کآن یک اعتراض به اینکه چرا زنان شما آنچنان که باید و شاید پوشیده نیستند و حجاب را رعایت نمی‌کنند. به‌هر حال در مورد عمر این روایات نقل شده که بسیار در این امور تند بود و اخلاق خاصی داشت. در مورد این روحیه عمر هم روایت نقل شده که «وکان حریصاً علی حجابهن و ما کان ذلک الا حبا لرسول الله»،^۱ نسبت به حجاب زنان پیامبر(ص) خیلی حرص داشت و در عین حال منشأ آن همان حب و دوستی به پیامبر خدا(ص) بود و الا وجه دیگری نداشت. روایاتی با این مضمون در کتب اهل سنت نقل شده، یا مثلاً از عایشه هم یک روایتی قریب به این مضمون نقل شده است.

سؤال:

استاد: چند اشکال دیگر وجود دارد؛ اینها می‌گویند که عمر گفت: «یا رسول الله یدخل علیک البر و الفاجر فلو امرت امهات المؤمنین بالحجاب»، چرا اینها را امر به حجاب نمی‌کنی؟ ... اصلاً به طور کلی که در مرئی و منظر واقع نشوند. در بعضی از روایات اینکه می‌گویند مثلاً زنان پیامبر(ص) در رفت و آمد بودند؛ یک شب که عمر در کوچه‌ای داشت راه می‌رفت، یکی از زنان پیامبر(ص) عبور می‌کرد و عمر فریاد زد و مثلاً از هیکل و قد بلند او فهمید که این سوده است. اینها رفت و آمد می‌کردند و در مرئی و منظر بودند و این چیزی بود که او خوش نداشت. حجاب نه یعنی فقط پوشش ... اینکه از مرئی و منظر خارج شوند.

این شأن نزولی است که اینها گفته‌اند. اما شیعه این را قبول ندارد و اشکالاتی بر این مسأله وارد کرده که من فعلاً نمی‌خواهم آن را وارد شوم. همین داستان به نقل از عایشه به نحو دیگری نقل شده است. اما از دید شیعه مسأله به گونه دیگری بوده است. طبق آنچه که در البرهان^۲ ذکر شده، ابن عباس می‌گوید وقتی پیامبر(ص) با زینب دختر جحش ازدواج کرد یک ولیمه‌ای داد و اصحابش را ده‌تا ده‌تا دعوت و ولیمه و اطعام می‌داد. آنها بعد از غذا میل داشتند که کنار پیامبر(ص) بنشینند و گفتگو

^۱. روح المعانی، ج ۱۱، ص ۲۴۷؛ صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۰۳.

^۲. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۴۸۲.

کنند، اما پیامبر(ص) که تازه با آن زن ازدواج کرده بود، از نشستن بیش از اندازه آنها خسته می‌شد و در عین حال اخلاق و ادب پیامبر(ص) هم اجازه نمی‌داد که به آنها بگوید بروید. لذا این آیه نازل شد.

عمده این است که طبق آنچه که به عنوان شأن نزول این آیه ذکر شده، این در واقع یک مسأله‌ای است مربوط به زنان پیامبر(ص). ما نمی‌خواهیم بگوییم شأن نزول اختصاص می‌دهد حکم را به مورد خودش، ولی ظاهر این آیه که «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ»، این با توجه به آیات قبل و بعد و ضمیری که در این آیه به کار رفته، به نظر می‌رسد که این یک تکلیفی است که مختص زنان پیامبر(ص) است و یک تکلیف عمومی نیست. این بر فرض آن است که ما دلالتش را بر اینکه به طور کلی زن از نظر پنهان بماند بپذیریم. چون اینجا چند مرحله است؛ یکی اینکه این آیه یک تکلیف اختصاصی برای زنان پیامبر(ص) است و به علاوه یک تکلیف لزومی نیست، یک تکلیف استحبابی است. در واقع رجحانی را نسبت به زنان پیامبر(ص) ثابت می‌کند که حتی المقدور دیده نشوند و در مرئی و منظر واقع نشوند و مِنْ وَرَاءِ الْحِجَابِ بآنها سخن گفته شود و تقاضایی از آنها شود. آن هم به خاطر جایگاه ویژه پیامبر(ص) و حفظ حرمت و شئون و احترامی که زنان پیامبر(ص) داشته باشند.

پس اولاً این مختص به زنان پیامبر(ص) است؛ ثانیاً لزوم هم از آن استفاده نمی‌شود.

سؤال: ...

استاد: قرائتی وجود دارد که به واسطه آنها می‌توانیم بگوییم این اختصاص به زنان پیامبر(ص) دارد و نسبت به آنها هم تکلیف لزومی استفاده نمی‌شود.

عرض کردم که صاحب اسداء الرغاب چند دلیل می‌آورد که این تکلیف عمومی است و مختص زنان پیامبر(ص) نیست؛ البته اینها قابل جواب است و جواب هم داده شده است. اما اینکه آیا منظور این است که زنان پوشش خودشان را حفظ کنند یا به طور کلی پرده‌ای آویخته شود و اصلاً دیده نشوند. این حجاب آیا به معنای پرده است یا به معنای همان پوشش و ستر بدن و حجم بدن؟ حالا استثنا و خارج کردن وجه و کفین هم یک مسأله دیگری است. ولی در هر صورت لزوم پنهان شدن زنان به طور کلی استفاده نمی‌شود. نهایتش این است که یک رجحانی را تا زمانی که مثلاً ضرورتی پیش نیامده برای زن ثابت می‌کند که در مرئی و منظر قرار نگیرد. اما اینکه زن نباید نگاه کند، این به هیچ وجه به مرد نباید نگاه کند. اینکه یحرم النظر المرأة الی الرجل، این واقعاً از این آیه استفاده نمی‌شود و به این دلایلی که گفتیم، به نظر می‌رسد که قابل استناد نیست.

سؤال: ..

استاد: در مورد آیاتی که در این سوره مطرح شده، مثلاً در همین سوره احزاب بعضی از احکام اختصاصی مربوط به زنان پیامبر(ص) آمده است. «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا * وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى»،^۱ یا مثلاً «وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أَرْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ»،^۲ ... برخی از احکام اختصاصی مربوط به زنان پیامبر(ص) در این سوره آمده است. لذا این خودش یک قرینه است. ضمیر «هن» که در

۱. سوره احزاب، آیه ۳۲ و ۳۳.

۲. سوره احزاب، آیه ۵۳.

همین آیه و آیات قبل آمده، اینها همه اشاره دارد به زنان پیامبر(ص). مرجع این ضمیر معلوم است. چطور شما می خواهید این را متوجه زنان دیگر کنید؟

لذا مفسرین و فقهای شیعه الا شد و ندر، از این آیه اختصاص به زنان پیامبر(ص) را استفاده کرده اند و ظاهراً در آن اختلاف و بحثی نیست. منتهی اینکه این دلالت بر حرمت نظر کند یا نه، محل بحث است. ولی این آیه را نوعاً به عنوان مبین یک تکلیف اختصاصی برای زنان پیامبر(ص) از آن برداشت کرده اند. صاحب اسداء الرغاب چند دلیل آورده و خیلی هم تلاش می کند این را به عنوان یک تکلیف عمومی مطرح کند ولی واقع این است که چنین استفاده ای نمی توان کرد. بنابراین ما از آیات دلیلی بر حرمت نظر المرأة الی الرجل نداریم. نه آیه غض چنین دلالتی دارد و نه آیه فسألوهن من وراء حجاب. باید برویم سراغ روایات و ببینیم به روایات می شود استناد کرد یا نه؛ آیا اجماع در اینجا وجود دارد یا نه. این را در جلسه آینده بررسی خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»